

مرحوم دکتر خلیل خان اعلم الدوله

و مشروطیت ایران

بقلم آقای حسین تقفی اعزاز

همینکه با نظر باریک بینی بتحولات و اوضاع زندگانی ملل بنگریم می بینیم که همیشه پیش از آنکه ماده انقلاب یا تغییری رسیده و منفجر شود جمعی پس برده بی نام و نشان و بی طبل و دهل بروشن کردن افکار و حاضر نمودن زمینه مشغول بوده و ماده را آنچنان ساخته و آماده میکرده اند تا در صورت باندک تصادمی بغلیان آمده و انفجار شدید حاصل نماید در حالی که عامه چنین می پندارند که بروز این قبیل وقایع بی مبدأ و بی علت بوده و ناگهان بظهور پیوسته است .

مشروطیت ایران نیز همین حالت را داشته است و مطالعات دقیق مطلعین داخلی و خارجی ثابت کرده است که نطفه آن از دوران سلطنت ناصر الدین شاه بر اثر افکار آزادیخواهان در تکامل بوده است ولی بمناسبت بیدادگری های حکومت استبدادی و عدم رابطه اجتماعی از این جماعت هر دسته بگرد هم جمع می آمدند و برای نیل بمنظور خویشتن از راهی قدم برمیداشته اند بی آنکه باهم آشنائی داشته باشند یا در انتخاب خط مشی توافق نظری بدست آورند .

سید جمال الدین افغانی و میرزا آقاخان کرمانی و جمعی صاحب منصبان قزاق

۱ - ضمانت درجه صحت موضوع این مقاله و نظایر آن چون هنوز در هیچیک از ماخذ مدون تاریخی مورد بحث قرار نگرفته فقط بهمه نگارندگان آنهاست ، مجله یادگار در نشر این قبیل مقالات بکلی بیطرف است و نظر مخصوصی جز خدمت بتاریخ ندارد (یادگار)

خانه و بسیاری از روشن فکران دیگر آن زمان در زمره این پیش قدمان محسوب میشوند. مرحوم مظفرالدین شاه که در نتیجه نجوای مکرر مرحوم دکتر خلیل خان و فطرت آرام خود کم و بیش آزادی و بیرانداختن قیود استبداد راغب گشته بود بالاخره در ۱۳۱۶ قمری هجری برای اجرای این منظور و اتحاد با دولت مشروطه و امپراطوری آلمان هیئتی را ظاهراً بعنوان معالجه فرزند خود شاهزاده ملک منصور میرزا شعاع السلطنه بدربار ویلهلم دوم مأمور کرد.



در برلین در سال ۱۸۹۸ میلادی - شعاع السلطنه - دکتر خلیل خان - هرواله - فوربالس
هماندار سفارت ایران در برلین (از چپ بر راست)

این مأمورین عبارت بودند از میرزا عبدالرحیم خان تبریزی قائم مقام و دکتر خلیل خان تقفی و ایشان در این ضمن مأموریت یافته بودند که با شاهزاده پسر نوزده ساله شاه برای گردش و تماشای فرنگستان همراهی نمایند.

علی اکبر خان مزین الدوله نقاش باشی کاشی و حمید خان حمید السلطان پیشکار شعاع السلطنه هم از ملازمان بودند. هنگام ورود مأمورین بیرلین امپراطور آلمان هنوز در مسافرت در خاک عثمانی بود ولی پس از یکماه توقف آنان مراجعت نمود. در آخرین مهمانی و ضیافتی که ویلهم بافتخار شاهزاده و درباریان ایرانی برپا نموده بود فقط شعاع السلطنه و قائم مقام و دکتر خلیل خان حضور بهم رساندند. در بجهت این ضیافت پرشور و شغف دکتر خلیل خان و قائم مقام از موقع استفاده کرده قدم زنان با امپراطور باطابق مجاور رفتند و در آنجا دکتر خلیل خان بزبان فرانسه پیغام مظفرالدین شاه را راجع بعقد اتحاد باورساند اما امپراطور بدون تأمل و تفکر زیاد جواب داد که «اراده امپراطوری ما فعلاً توجیهی برای انعقاد چنین معاهده با دولت شما ندارد». بدین ترتیب نظر ویلهم دویم در این خصوص جلب نگردید.

این هیئت پس از مراجعت بطهران تفصیل ملاقات خود را بعرض رساندند و شاه بعلت این عدم موفقیت متفکرو بسیار مکدر شد. از همان اوقات بعدد دکتر خلیل خان در ملاقات های خود با شاه در صدد تشویق و آشنا کردن او بمزایای حکومت مشروطه و مضرات سلطنت استبدادی بر آمد و بتدریج فهمید که این قبیل عدم موفقیت های سیاسی نتیجه وجود حکومت استبدادی و نداشتن مجلس شورای ملی است.

مظفرالدین شاه در چهار سال اخیر سلطنت دکتر خلیل خان را ملقب باعلم الدوله نموده و بجای آقای دکتر ابراهیم خان حکیم الملک بطبابت مخصوص خود برگزیده بود. دکتر اعلم الدوله پس از انتصاب باین شغل بیش از پیش موفق گردید که افکار شاه را بسری آزادیخواهی سوق دهد و در آخرین لحظات نهضت مشروطیت در حینی که بعضی از درباریان مثل احتشام السلطنه و سعد الدوله در خارج از علماء مشروطه خواه طرفداری مینمودند دکتر اعلم الدوله هم شاه را بدادن مشروطه ترغیب و تشویق میکرد تا آنکه شاه دستخط قبلی خود را باطل و فرمان مشروطیت را امضاء نمود و در تاریخ ۱۴ جمادی الثانیة ۱۳۲۴ دارالشورای ملی افتتاح گردید.

شاه در شب ۲۳ ذی القعدة همان سال بدرود زندگانی گفت و پسرش محمدعلی میرزا بتخت سلطنت نشست .

محمد علیشاه مستبد در اوایل سلطنت میخواست ترتیباتی فراهم آورد تا بتواند بدون خونریزی مجلس را منحل نماید . و برای اجرای این خیال لازم دانست که مدارك طبى مبنی بر اختلال مشاعر مظفرالدین شاه در هنگام دادن مشروطیت بدست آورد .

تهیه این مدارك را که میبایستی با مضای سایر اطباء نیز برسد بتوسط شعاع السلطنه برادر خود از طبیب مخصوص پدرش که در آن وقت خانه نشین گشته بود خواست ولی در نتیجه رد پیشنهاد مزبور از جانب اعلم الدوله شاه مایوس گردید و بنای تهدید و مخالفت های شدید را با وی گذاشت تا آن که منجر بفرار دکتر اعلم الدوله بفرنگستان شد .

این مسافرت بقدری سریع انجام پذیرفت که اعظم اموال الدوله از قبیل کتابخانه نفیس او حیف و میل شد و ازین رفت .
جریان این مسافرت از این قرار است :

در سال ۱۳۲۵ هجری دکتر خلیل خان اعلم الدوله خود را در برابر ظلم و فشار محمد علیشاه که منجر بتوقیف و ضبط املاك وی گردیده بود ناتوان یافت و چون اوضاع را نیز ناهمساعد دید انجمن خود را که انجمن سواد اعظم ۱ نام داشت بشیخ محمد علی طهرانی رهبر (انجمن علمی) واگذار نمود و قریب یکماه در منزل شخصی پنهان گردید .

آن گاه با مشورت و صلاح دید عده ای از دوستان آزادیخواه و مساعدت مرحوم

۱ - یکی از انجمنهای مشروطه طلب طهران بود که علاوه بر اعضاء چند نفر تنگچی نیز در اختیار داشت سه نفر آنها مدتی در یکی از گلدسته های مسجد سپهسالار سنگر داشتند و هنگام توب بستن مجلس باندازه قدرت فداکاری و جان نثاری کردند.

میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت با خانواده خویش وطن خود را ترك نمود .

در باكو شريف الدوله قنصل ايران با علم الدوله اطلاع داد كه چون ممكن است از طرف عمال شاه سوء قصدى بعمل آيد هر چه زودتر باكو را ترك نمايد؛ اعلم۔ الدوله نيز بي درنگ آنجا را ترك كرد و عازم پارس شد.

توضيح آنكه قبل از فرار اعلم الدوله محمد عليشاه املاك او را كه عبارت از قريه پونك و محمود آباد و رامين بود توقيف کرده و تحويل خالصه داده بود. ام الخاقان مادر محمد عليشاه ۲ نامه ای جهت انصراف از ضبط آن املاك بمحمد علي شاه پسر خود نوشت ، شاه نيز چنين جواب داد :

« تصدقت شوم دهات ملك خالصه پونك كه فرمان آن از دكتر خليل پس گرفته شده است مكرر عرض كردم كه دادن آن ملك باو ممكن نيست حضرت عليه صريح جواب دهيد مجلس هم قبول نخواهد كرد . »

از مفاد اين نامه بغض و كينه شاه بطور وضوح آشكار ميگردد چه اوج شناسي و محبت مجلسيان را نسبت بدكتر خليل خان بخوشي ميدانست و با ايراد چنين عبارت سفسطه آميزي ميخواست اعلم الدوله را طوعاً و كرهاً باجراي نيات مستبدانه خود مجبور نمايد يعنى بتواند از او مدركي طبى مشهر بر اختلال حواس مظفر الدين شاه چنان كه در فوق بدان اشاره رفت بدست آورده فرمان مشروطيت را بدين طريق كآن لم يكن انگارد و گر نه دليلي نداشت كه كسيكه تا باین حد مجلس را محترم و او امر مجلسيان را واجب الطاعه ميشمرد اندكي بعد آنرا بتوپ بيندد.

۱ - ام الخاقان مادر محمد علي شاه در سال ۱۲۹۳ قمرى هجرى هنگام وليمهدى

مظفر الدين ميرزا حسب الامر ناصر الدين شاه ايام عيد نوروز در طهران در باغ ايلخاني مطلقه شده بود. (از يادداشت هاى خطى ميرزا محمد علي خان كاشانى مصدق الدوله - دوران وليمهدى مظفر الدين ميرزا)

اعلم الدوله چند ماه پس از ورود بیاریس انجمنی بنام «ایران جوان» در آن جا تشکیل داد، اعضاء این انجمن عبارت بودند از یکعده ایرانیان آزادیخواه مقیم فرانسه.

مهم
دکتر جلیله خان دیرالدوله

دکتر جلیله خان دیرالدوله

مهم

مهم

خط محمد علیشاه که بمادر خود ام الخاقان نوشته است

دکتر جلیله خان دیرالدوله (ندیم السلطان) برادر اعلم الدوله متشی این انجمن بود و او اوراق و قطعه نامه های برضد محمد علیشاه را برشته تحریر در آورده شخصاً با ژلاتین بچاپ میرساند و منتشر میساخت و قسمتی را باطراف و اکناف اروپا و قسمتی را جوف جرائد فرانسه برای مشروطه خواهان ایران میفرستاد.

دیگر از اعضاء کمیته مزبور فریدون خان ملکم پسر پرنس ملکم خان ناظم الدوله بود. اتفاقاً در همان اوقات یکی از آزادیخواهان روسیه که در ژنو و پاریس بفعالیت های سیاسی میپرداخت یک روز در انجمن مزبور حضور یافت و از اقدامات آزادیخواهان ایران اظهار خوشوقتی نمود و نزدیک یکساعت با رئیس انجمن بمصاحبه

پرداخت، این شخص رهبر معروف انقلاب آینده روسیه و ۱۰۰ لنین بود. وظیفه این انجمن خنثی نمودن تبلیغات و عملیات خارجی محمد علیشاه بود مثلاً در جلوگیری از قرضه ای که شاه میخواست باعتبار جواهرات سلطنتی بگیرد و اعلان آن در جراند پاریس بتوسط عمال محمد علیشاه منتشر شده بود اقدامات مؤثر کرد و در این موضوع و نظایر آن موفقیت شایانی نصیب انجمن گردید بطوریکه ژان ژورس ۱ که یکی از دوستان ارادان ایران جوان بود مقالات مهیجی برضد آن اقدامات غیر قانونی در روزنامه خود تحت عنوان «بیداری آسیا و انقلاب ایران» یا «در ایران چه میکنند؟» و غیره منتشر ساخت ۲ تا آنکه توانست با کمک جمعیت ایران جوان عمال مزبور را کاملاً از مقاصد خود باز دارد.

دیگر از اقدامات برجسته این انجمن تبلیغات آزادیخواهانه ای بود که در روحیه مشروطه خواهان ایران بسیار مؤثر واقع گشت چنان که در هنگام محاصره یازده ماهه شهر تبریز از طرف محمدعلیشاه دکتر عبدالمجید خان (حاذق الدوله) برادر دیگر اعلم الدوله که در آن موقع در قشون دولتی بمعالجه مجروحین و مرضی می پرداخت بمناسبت آزادیخواهی جبلی که در نهادش وجود داشت و ساتلسی فراهم آورده بود تا بتواند هنگام شب از خط محاصره عبور کرده از دروازه وارد شهر تبریز شود و در آنجا مجروحین ملیون را مداوا کند. دکتر عبدالمجید خان در ضمن رفت و آمد بداخل شهر آزادیخواهان را از اقدامات و عملیات انجمن برادرش که بشکل اوراق ژلاتینی در جوف جرابد باو میرسید آگاه میساخت.

- ۱- ژان ژورس Jean Jaurès یکی از سیاسیون و سران برجسته و نامی حزب سوسیالیست فرانسه که در آغاز جنک بین المللی (۱۹۱۴) پس از ایراد نطق ذریکی از کافه های پاریس بضرط گلوله یکی از مخالفین مقتول گردید، روزنامه کثیرالانتشار او موسوم به اومانیه L'Humanité بود.
- ۲ - نگارنده امیدوار است که در آتیة نزدیک ترجمه مقالات ژورس را از نظر خوانندگان گرامی بگرداند.

در همان اوقات که قدرت مستبدین روز بروز رو بضعف و انحطاط میرفت چون محمد علی شاه برای رفع احتیاجات قشون بکمک مالی احتیاج داشت سعی میکرد تا بلکه بتواند بتوسط حسین پاشا خان امیر بهادر که معزم اسرار بود از تاجر حتی از صاحبمنصبان و رؤسای کشیکخانه خود قرضه‌ای بدست آورد. امیر بهادر هم که تحت فشار و اصرار شاه قرار گرفته بود بمرتیب علی اکبرخان اعزاز الممالک که یکی از رؤسای کشیکخانه بود متوسل گردید، او هم ما بملک خود را گرو گذاشته باین طریق توانست تا حدی از احتیاجات آنی دربار بکاهد، در مقابل از طرف دربار حواله کردی بعنوان آقا بالا خان سردار افخم باو داده شد.

اعزاز الممالک که مرخصی گرفته قصد مسافرت بارو با را داشت ضمناً مأمور شد که در حین عبور از مرز با آقا بالاخان سردار افخم حاکم وقت گیلان که با وی سابقه آشنائی داشت ملاقات کرده در باره وصول مالیاتها و قرضه جدیدی برای دربار وارد مذاکره شود سپس از آنجا عازم اروپا گردد.

توضیح آنکه سرتیب اعزاز الممالک هنگام عزیمت دکتر خلیل خان بیاریس پسر خود را با مشارالیه جهت تحصیل بفرانسه روانه کرده بود و در آن موقع بیانه دیدار فرزند میخواست بارو با رفته از مرحوم اعلم الدوله ملاقات کرده راجع بسرنوشت آتیه ایران دستوراتی اخذ نماید.

مشارالیه بمجرد ورود برشت با سردار افخم ملاقات کرد و طلب خود را از دوبار تمام و کمال از سردار گرفت و برای خانواده خود بطهران ارسال داشت اما راجع بمالیات و قرضه نتوانست کاری انجام دهد.

در همان اوقات نامه‌ای از اعلم الدوله برای اعزاز الممالک رسیده بود که عین آن بعدها در مجله هلندی ویک تحت عنوان «انقلاب در ایران» با اضافات و تصاویر درج شد این نامه ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی میکند:

«همانطور که می گویم می نویسم و همانطور که مینویسم فکر میکنم .

دوم مه از پاریس عرض شد ، تعلیفه سرکلر رسید از خبر سلامتی شما خوشوقت شدیم ما هم بحمدالله سالم هستیم در صدد آنکه شریف خان ۱ را که باصرار زیاد خواسته اند بطهران روانه کنیم هنوز اسباب فراهم نیامده و ممکن نشده است .

«اخبار ایران را هر قوم داشته اید که روز بروز میخوانیم بلی ولی می بینیم بحمدالله روز بروز کارها رو بخوبی میرود و ان شاءالله بزودی نظم و ترتیب بشکلی که باید برقرار شود برقرار شده مشروطه صحیح مجری خواهد شد .»

در رشت سرتیپ اعزاز الممالک همواره مترصد بود که وسائل عزیمت خود را بارو با تهیه نماید بدین منظور روز پانزدهم محرم ۱۳۲۷ ائانه و جامه دان های سفری خود را بوسیله رضا بیک آبدار باشی و عباس آقای پیشخدمت با کالسکه بیند از تلی فرستاد تا هرچه زود تر رهسپار گردد و بطوریکه در فوق اشاره شد منظور از این مسافرت ملاقات رئیس انجمن ایران جوان و اخذ بعضی دستورات لازمه برای پیشرفت و استقرار مشروطیت از قبیل پیغام دکتر اعلم الدوله مبنی بر ترهیب و تسکین محمد علی شاه و نظائر آن بود . اعزاز الممالک میخواست صبح روز ۱۶ محرم حرکت نماید ولی

۱ - شریف خان فرزند سرتیپ علی اکبر خان اعزاز الممالک (دائی نویسنده این سطور) ولد محمد حسن اعزاز الممالک معروف به « خان » ولد شریف خان ولد ملاعلی شوهر خواهر استاد کاردگریان قزوینی است . شیخ مزبور ترک عیال و اطفال نموده بدباری رهسپار شد ، گاردگریان آن دو طفل شریف خان و برادر دیگر او را نزد خود تربیت نمود و وارد دستگاه سلطنتی فتحعلیشاه نمود سپس ایشان بتوسط ملک آراء بقامات حساس دولتی رسیدند .

مرحوم شریف اعزازی دارای خواهری است بنام ملوک خانم (اعزاز الملوک) و دویسر بنام اردشیر و منوچهر و از عیال دیگر دارای دو دختر میباشد همچنان دارای دو عم مرحوم هدایت الله خان ممتازخاقان و حجه الاسلام آقا شیخ محمد حسین طهرانی (استاد) است که در نجف اشرف زندگانی میکنند .

آخرین شغل دولتی مرحوم اعزازی ریاست اداره اماکن شهربانی بود و در نیمه اول فروردین ۱۳۱۵ در محبس قصر قاجاز مظلومانه تیرباران شد .

اختیار الدوله که از دوستان او بود مانع گشته باو گفت که يك روز مسافرت خود را بتأخیر اندازد و در مهمانی باغ مدیریه حضور بهم رساند، او هم پذیرفت. این مهمانی در روز ۱۶ محرم ۱۳۲۷ بر حسب دعوت سردار همایون از سردار افخم حکمران گیلان و سر تپ علی اکبر خان اعزاز الممالک و میرزا فتح الله خان معروف بمستوفی تویسرکانی (مستشار دفتر پیشکار کل مالیه گیلان) و سردار امجد (عمید السلطنه طالش) در باغ مدیر الملک معروف بمدیریه بر پا شد. سردار امجد دعوت را نپذیرفت و در مهمانی شرکت نکرد حتی حضور سردار افخم و سایرین را هم در آن ضیافت صلاح نمیدید.



دکتر خلیل خان اعلم الدوله در مواقع ریاست انجمن ایران جوان درباریس

این مهمانی که منجر بقتل سردار افخم و اعزاز الممالک و عده دیگر گردید چون از بحث ما خارج است در جای دیگر نقل خواهد شد.

بعد از بتوب بستن مجلس وخاتمه یافتن غائله شمال رئیس انجمن ایران جوان شریف خان را که جوانی بود نوزده ساله بمعیت یکی از اقوام مسیو رفیع دندانساز بطهران گسیل داشت .

شریف خان بعد از ورود بطهران بحضور محمد علی شاه پذیرفته شد ، محمد علی میرزا از فعالیت های انجمن ایران جوان و آزادخواهان ایرانی مقیم پاریس از او سؤالاتی کرد و آن جوان هم ندانسته اطلاعاتی را که داشت برای شاه نقل کرد .

محمد علی میرزا که از فعالیت های اعلم الدوله بسیار خشمناک بود همینکه دانست که در منزل شخصی او جمعی بختیاری سکنی گزیده اند سخت بر آشفت . توضیح آنکه مرحوم اعلم الدوله قبل از عزیمت بارو با خانه خود را جهت سکونت با اختیار بی بی مریم خواهر مرحوم حاجی علیقلی خان سردار اسعد گذاشته بود و آن شیرزن که بتیر اندازی و رشادت معروف بود با جمعی از تفنگداران بختیاری در آنجا ساکن شدند و در آخرین دقایق سلطنت محمد علی شاه در زمانی که ملیون از هر طرف بطهران نزدیک میشدند و لبخوف عاجزانه با آخرین دفاع پایتخت میپرداخت بی بی مذکور از داخل خانه اعلم الدوله از پشت راه بام که در سوک جنوب شرقی باغ واقع شده بود با تفنگداران خود مردانه رو بفرآقخانه بتیر اندازی پرداخت .

چون این مراتب بسمع محمد علی میرزا رسید با کینه ای که از اعلم الدوله در دل نهفته داشت دستور داد تا بی درنگ خانه او را باتوب گلوله باران و ویران نمایند اما خوشبختانه در چند اطلاقی که در کنار باغ مشرف بر خیابان (معروف بیوسف آباد) ساخته شده بود و بر بام آنها دلیران بختیاری سنگر بسته بودند خانمی هلندی منزل

۱ Mlle Scholtz مادماوازل شولتز در اواخر قرن ۱۹ از هلند به باتاویا رفت

ده سال در آنجا و یک سال در هندوستان گذراند در اوایل قرن حاضر با تغییر مسلك تارك دنیا بایران آمد و مدت چهل و اندی در منزل مرحوم اعلم الدوله سکونت داشت و در سال ۱۳۲۵ وفات یافت.

داشت که در این بحبوحه فوراً بتوسط مأموری بفرمانده قوای دولتی پیغام تهدیدآمیزی داد مبنی بر اینکه تصمیم او کاملاً برخلاف مقررات بین‌المللی میباشد چه در خانه اعلم الدوله خانمی خارجی سکونت دارد و مبادرت بچنین عمل موجب سلب آسایش حتی خطر جانی وی خواهد شد.

مراتب را باولای امور اطلاع دادند و بمجرد اینکه این مطلب بگوش محمدعلی میرزا رسید با بینی که از پیچیدگی روابط سیاسی خود با خارجیان داشت دستور رفع مزاحمت از سرنشینان خانه داد و بدین طریق در نتیجه این پیغام خانه ای از ویران گشتن مصون ماند.

اندکی بعد مجاهدین غیور ب طهران وارد شدند و محمد علی میرزا عاجلاً بسفارت روس پناهنده گردید و باین نحو عمر استبداد صغیر پایان رسید.

اعلم الدوله پس از مدتی ب طهران بازگشت و از نو در خانه نجات یافته خود رحل اقامت افکند، در زمان نیابت سلطنت عضد الملک پاداش فعالیت های آزادیخواهانه بریاست اولین بلدیة قانونی پایتخت مشروطه ایران مفتخر شد و پس از مدتی بژنرال قنصلگری ایران درسوئیس مأمور شد و با خود جدهی از خاترا دگان بختیاری وعده ای از جوانان ایرانی دیگر را برای تحصیل بهمراه برد.

مردمی از نهاد کس مطلب ...

پشت آور بچرخ کافر خوی	روی درکش زده دشمن روی
خرومی از مزاج وقت مجوی	مردمی لژ نهاد کس مطلب
کز سلامت نهرنگ ماند ونه بوی	با بلاها بساز و تن درده
آب دیده بریز و چشم بشوی	دود وحشت گرفته چهره عمر
انس خواهی میان انس مپوی	اهل خواهی ز اهل عصر بیر
چند از این دوستان دشمن روی	چند از این یوسفان گرگ صفت
(خلاقانی)	